

نگاهی به یکی از مهم‌ترین مناصب انتظامی شهرها در دوره قاجار که وظیفه‌اش برقراری نظم بوده است

وقتی داروغه، رئیس شهر بود



یک داروغه از اردوی زرین در یک شهر روس کیف اثر سرگی ایوانف

گزارشی از یک واقعه جنایی در مشهد که نامی خاص را در روزنامه وقایع اتفاقیه ثبت کرده است

قصاص در «پایتخت داروغه»

یکی از جالب‌ترین نشانه‌های جایگاه داروغه در ساختار شهری آن دوره، اصطلاح «پایتخت داروغه» است.

در برخی منابع، محل استقرار داروغه با این عنوان یاد شده و این مکان گاه محل اجرای مجازات مجرمان نیز بوده است. در یکی از گزارش‌های مربوط به خراسان در سال ۱۲۷۴ قمری، از «پایتخت داروغه» به عنوان محلی یاد شده که در مسیر رفت‌وآمد عمومی قرار داشته‌و مجرمی برای اجرای حکم قصاص به آنجا برده شده است. در مشهد نیز نمونه‌ای روشن از این کاربرد ثبت شده است. در سال ۱۲۷۲ قمری، به دستور حسام السلطنه، چهار نفر که چندسیدارکشته شده، یکی از معدود مواردی است که در منابع مورد بررسی، ارتباط مستقیم منصب داروغه با یک رویداد مشخص در مشهد دوره قاجار را نشان می‌دهد.

● **روایت یک قتل در مسیر دود به مشهد** ماجرا به سال ۱۲۷۲ قمری بازمی‌گردد؛ زمانی که حسام السلطنه حکومت خراسان را بر عهده داشت. آن‌گونه که وقایع اتفاقیه گزارش می‌کند، چهار سید اهل روستای درود که برای کار و تجارت به راه افتاده بودند، در جریان این سفر به‌دست چهار نفر مورد حمله قرار می‌گیرند. قاتلان که سه نفر از آن‌ها اهل هرات بودند، به قصد دزدی اموال این چهار سید، آنان را می‌کشند و سرشان را همچون گوسفند ذبح می‌کنند. در ادامه با پیدا شدن اجساد، جسد مقتولان را به مصلی می‌برند. اموال و اجناس آنان نیز که ظاهراً پنبه بوده به دست قاتلان می‌افتد که بخشی از این اموال در کاروان سرای طرق پیدا می‌شود.

● **مسئولیت‌های انتظامی قرار بگیرد.** در برخی منابع از «داروغه‌بازار» سخن گفته شده، اما پژوهش‌های انجام‌گرفته درباره منصب داروغه در دوره قاجار، نشان می‌دهد که در این روزگار، آنچه بیشتر دیده می‌شود داروغه شهره‌است؛ مقامی که حوزه مسئولیتش فقط بازار نبوده و بر نظم عمومی شهر و اطراف آن نظارت داشت.

● **داروغه فقط مأمور امنیت نبود** البته حوزه فعالیت داروغه گاهی از مقابله با جرم و سرقت فراتر می‌رفت. در برخی شهرها، مردم از این مقام انتظار داشتند با رفتارهایی که از نظر حکومت و جامعه آن دوره خلاف شرع یا اخلاق عمومی محسوب می‌شدهم مقابله کند. در منابع، برای داروغه وظایفی مانند جلوگیری از شرب خمر، زنا، فحشا و برخی دیگر از اعمال خلاف شرع ذکر شده است. به این ترتیب، بخشی از وظایفی که پیش‌تر در دوره صفوی بر عهده محتسب قرار داشته، در دوره قاجار نیز در مواردی در حوزه عمل داروغه قرار گرفت. البته این وظایف نیز در همه شهرها و در همه دوره قاجار به یک شکل اجرا نمی‌شده است. این گستردگی وظایف نشان می‌دهد که داروغه را نمی‌توان صرفاً یک «مأمور دستگیری دزد» دانست. او یکی از اجزای ساختار اداره شهر بوده و بسته به شرایط، از امنیت بازار و محله گرفته تا برخورد با برخی ناهنجاری‌های اجتماعی را دنبال می‌کرده است.

زهرا زنگنه | در شهرهای دوره قاجار، پیش از آنکه پلیس به معنای امروزی آن شکل بگیرد، تأمین امنیت کوچه و بازار و رسیدگی به بسیاری از جرایم، بر عهده مجموعه‌ای از مأموران و مناصب شهری بود که در رأس این تشکیلات، «داروغه» قرار داشت؛ منصبی که ریشه‌ای قدیمی‌تر از دوره قاجار دارد. اما در این دوره نامش بیش از هر زمان دیگری تکرار می‌شود. داروغه فقط مأمور دستگیری دزد و مجرم نبود؛ حوزه فعالیت او از بازار و محله‌های مسکونی تا امنیت رفت‌وآمدهای شبانه و گاه جلوگیری از برخی رفتارهای خلاف شرع را در بر می‌گرفت. در عین حال، قدرت این مقام در همه شهرها یکسان نبود و بسته به ساختار حکومتی، اهمیت شهر و حضور دیگر مقامات مانند حاکم، کلاتر، کد خدا و دیوان بیگی تغییر می‌کرد. در ادامه، با نگاهی به منابع دوره قاجار، روند فعالیت این منصب را از سال‌های ابتدایی این دوره تا عصر ناصری دنبال می‌کنیم و با وظایف داروغه، جایگاه او در ساختار اداره شهر و مسئولیت‌هایی که در تأمین نظم و امنیت بر عهده داشته است، بیشتر آشنا می‌شویم.

● **داروغه در گذار از صفویه به قاجاریه** داروغه در دوره‌های تیموری و صفوی، علاوه بر وظایف انتظامی، از قدرت سیاسی، مالی و قضایی نیز برخوردار بود. با آغاز دوره قاجار، اگرچه این منصب همچنان یکی از ارکان اداره شهر و تأمین نظم و امنیت به شمار می‌رفت، اما به‌تدریج از اختیارات و جایگاه پیشین آن کاسته شد. در این دوره، داروغه بیشتر مسئول برقراری نظم عمومی، تأمین امنیت محله‌ها و بازار، مقابله با دزدی و دستگیری متخلفان بود و در کنار او، مأموران و نهادهای دیگری نیز در اداره امور شهر نقش داشتند. با این حال، حدود اختیارات داروغه و چگونگی ارتباط او با حاکم و دیگر مأموران شهری، در شهرهای مختلف یکسان نبود.

● **از نظم شبانه تا مقابله با دزدی** در ساختار آن روزگار، داروغه در کنار دیگر مقام‌های شهری فعالیت می‌کرد و مسئولیت او را نمی‌توان با وظایف یک نهاد انتظامی امروزی یکسان دانست؛ با این حال، بخش مهمی از کار او شبیه به آن چیزی است که امروزه از پلیس انتظار می‌رود. در کنار نظارت بر نظم و امنیت، دزدی یکی از مواردی بود که داروغه مستقیماً درگیر آن می‌شد؛ اگر در شهر سرقتی اتفاق می‌افتاد، داروغه می‌بایست برای یافتن دزد و بازگرداندن مال مسروقه اقدام کند. در برخی گزارش‌ها حتی مسئولیت مالی داروغه در برابر سرقت نیز دیده می‌شود؛ به این معنا که اگر مال دزدیده شده، پیدا نمی‌شد، ممکن بود داروغه مجبور به جبران ارزش آن شود. در مقابل، در صورت کشف مال و دستگیری دزد، دریافت مبلغی به عنوان پاداش نیز برای او در نظر می‌گرفتند. برای نمونه، در تبریز سال ۱۲۷۶ قمری، محمدصادق بیگ، داروغه شهر، از سرقت اموال مردم از بام بازارها و تخته‌های مغازه‌ها باخبر می‌شود. او با استفاده از چنگک، مسیر سرقت را پیگیری و دزدان را دستگیر می‌کند و اموال سرقت‌شده را به صاحبانشان باز می‌گرداند.

● **بازار، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های کار داروغه**

بازار در شهر قاجاری فقط محل خرید و فروش نبوده و بخش مهمی از زندگی اقتصادی و اجتماعی شهر در آن جریان داشته است. پس طبیعی بوده که حفظ امنیت بازار نیز در حوزه

مشهد نیز همین تفاوت را نشان می‌دهد؛ حسام السلطنه دستور قصاص قاتلان را صادر می‌کند و «پایتخت داروغه» محل اجرای آن بوده است. این موضوع اهمیت «پایتخت داروغه» را در ساختار انتظامی شهر نشان می‌دهد. این مکان صرفاً محلی برای حضور داروغه و مأمورانش نبود؛ بلکه در خراسان، دست‌کم بر اساس گزارش‌های تاریخی، گاهی کارکردی فراتر پیدامی‌کرد و مجازات محکومان نیز در آن انجام می‌شد.

عنوان «پایتخت داروغه» در منابع مربوط به خراسان دوره قاجار، تعبیر درخور توجهی است. داروغه معمولاً در داروغه‌خانه مستقر بوده است؛ محلی که داروغه و مأمورانش در آن حضور داشتند و متهمان نیز برای بررسی اولیه و بازجویی به آنجا آورده می‌شدند. در گزارش‌های خراسان، «پایتخت داروغه» گاهی به محل استقرار داروغه اشاره دارد و در مواردی نیز به عنوان محل اجرای مجازات در نظر گرفته شده است. حتی در گزارش دیگری از وقایع اتفاقیه مربوط به سال‌های بعد، این محل در مسیری که محل رفت‌وآمد عمومی بوده، به عنوان محل اجرای حکم معرفی شده است.

● **«پایتخت داروغه» کجا بود؟** ناگفته‌نماند از آنجاکه در ساختار شهری دوره قاجار، مسئولیت داروغه فقط به محدوده بازار یا محله‌های شهر محدود نمی‌شده و در مواردی، تأمین امنیت راه‌ها و مقابله با دزدی و دستگیری مجرمان نیز در حیطه وظایف او قرار داشته است. البته داروغه لزوماً صاحب اختیار صدور حکم نهایی نبوده و در ساختار اداری و قضایی دوره قاجار، مجازات مجرمان می‌توانسته با دستور حاکم یا دیگر مقامات صاحب اختیار انجام شود. ماجرای چهار قاتل در



تصویر داروغه‌ای در دوره قاجار

با آشکار شدن ماجرا، موضوع به حاکم خراسان می‌رسد و حسام السلطنه دستور می‌دهد قاتلان دستگیر و مجازات شوند. در نهایت، هر چهار قاتل به دستور او قصاص می‌شوند و محل اجرای این حکم نیز «پایتخت داروغه» است؛ مکانی که در گزارش‌های خراسان آن دوره، محل استقرار داروغه و مأموران او و در مواردی محل اجرای مجازات معرفی شده است.

● **وقتی داروغه خودش متهم می‌شد** قدرتی که در اختیار داروغه بود، طبیعتاً می‌توانست زمینه سوءاستفاده را نیز فراهم کند. اسناد و گزارش‌های دوره قاجار نمونه‌هایی از برخورد حکومت با داروغه‌هایی را ثبت کرده‌اند که از حدود وظایف خود فراتر رفته بودند.

● **داروغه‌ای میان چند مقام شهری** اما جالب است بدانید، داروغه در ساختار اداری شهر تنها نبوده است بلکه حاکم و وزیرستان او، کلاتران، کدخدایان و دیگر مأموران نیز هر کدام بخشی از امور شهر را بر عهده داشته‌اند. با این حال، مجموعه گزارش‌های دوره قاجار نشان می‌دهد که داروغه یکی از پایه‌های حفظ نظم شهری بود؛ مقامی که از کوچه و بازار تا برخورد با دزدان و گاه اجرای احکام، در زندگی روزمره شهر حضور داشت. این منصب تصویری از دوره‌ای است که امنیت شهر هنوز در قالب یک سازمان انتظامی مدرن تعریف نشده بود و حفظ نظم میان چندین منصب و نهاد تقسیم می‌شده‌ و اگر از حدود قدرتش فراتر می‌رفته، خود به مسئله‌ای برای حکومت و مردم تبدیل می‌شده است. این منصب بعدها با شکل‌گیری نهاد‌های انتظامی جدید، به تدریج جایگاه پیشین خود را از دست داد. اما ردیابی آن در تاریخ شهرهای ایران، نه فقط در اسناد و روزنامه‌های دوره قاجار، بلکه در نام برخی محله‌ها و بناها نیز باقی مانده است. برای نمونه «خانه داروغه» در مشهد از بناهای دوره قاجار است که منسوب به محمدیوسف خان، داروغه مشهد است که در اواخر این دوره ساخته می‌شود.

درباره عمارتی که پر از یادگارهای دوره مشروطه است

خانه کوزه‌کنانی تبریز



هادی دقیق| مدت‌هاست واژه کوزه‌کنانی برای علاقه‌مندان به تاریخ مشهد، نامی آشناست و هرج‌ان را به‌شوند. ذهنشان می‌رود سراغ خانه‌های تاریخی مشهد و یکی یکی تصویرهای ذهنشان را مرور می‌کنند تا می‌رسند به تصویر خانه‌ای با سقف شیروانی و دیوارهای آجری. یا نه، برای کسی که نام کوزه‌کنانی در مشهد به گوشش نخورده است، یک جست‌وجوی ساده در نقشه‌های آنلاین، او را می‌برد به نزدیکی حرم امام رضا^(ع) و بعد از کوچه معروف چهارباغ، همان جایی که تاوژگ‌رین هادمت‌هاست جزو تزیینات شهری شده‌اند و آن قدر هستند که وقتی می‌چرخند، روی همه بناهای اطرافشان سایه می‌اندازند. اینجا چندان مهم نیست که یک بنای تاریخی چقدر قدمت دارد و ارزشمند است. با وجود این، نام کوزه‌کنان ذهن را به جغرافیایی دیگر می‌برد، به جغرافیای دریایچه ارومیه.

کوزه‌کنان شهری تاریخی است در نزدیکی تبریز که تقریباً پنج‌شش کیلومتری با دریایچه ارومیه فاصله دارد؛ البته با خط ساحلی دریایچه ارومیه، وگرنه امروز به‌سبب خشک‌سالی، فاصله‌اش از آب دریایچه زیاد است. کوزه‌کنان همان‌طور که از اسمش پیداست، شهر مردمان کوزه‌درست‌کن است. این حرفه در شهر کوزه‌کنان همچنان پابرجاست. با توجه به سابقه دیرینه سفالگری در کوزه‌کنان و اینکه دلیل شهرت شهر است و وجه‌تسمیه نام شهر هم هست، امروز این پیشه برپیشینه در شهر کوزه‌کنان بسیار ارج‌و قرب دارد. بخش بزرگی از اقتصاد کوزه‌کنان همچنان سفالگری است. مانند آنچه از گزارش متون سده‌های میانی اسلامی به دست ما رسیده است. از آنجا که طبق رسمی قدیمی، نام شهر محل زندگی افراد به نام خانوادگی تبدیل می‌شود، خاندانی هم داریم به نام کوزه‌کنانی که دست تقدیر، یکی از آن‌ها را به مشهد و همسایگی امام رضا^(ع) کشانده بود. یکی دیگر از این خاندان قدیمی، نامش به تاریخ مشروطه ایران گره خورده است و امروز خانه‌اش در شهر تبریز موزه مشروطه شده است. کاش خانه کوزه‌کنانی مشهد هم در این ساخت‌وساز قسر در برود. خانه کوزه‌کنانی تبریز، مهر ۱۳۵۴ به عنوان اثری فرهنگی تاریخی و ارزشمند در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

● سرنوشت حاجی‌مهدی

مهدی کوزه‌کنانی، بازرگان زاده کوزه‌کنان، سال‌های مشروطه ساکن تبریز بود. درست است که فرمان مشروطه در تهران صادر شد، اما صف مشروطه‌خواهان در تبریز از تهران هم شلوغ‌تر بود. احمد کسروی در «تاریخ مشروط ایران» درباره تجمع مردم در روزنهایی که هنوز نام مشروطه در تبریز در میان نبود و از عدالت‌طلبی و آزادی خواهی صحبت می‌شد، می‌نویسد: «امروز بازرگانان پیشنهاد کردند در رفت‌را به گردن گیرند و پول بپردازند. نخست حاجی مهدی کوزه‌کنانی پیشگاه گردید [...] و چنین گفت: در این راه که به خرسندی و سرفرازی ایرانیان خواهد انجامید، من جان و داراک [دارایی] دریغ نخواهم داشت و همه در رفت‌را خود از کیسه‌خواهم برداخت.» و چنین هم کرد. او حتی بعدها خانه‌اش را در اختیار مشروطه‌خواهان مهدی کوزه‌کنانی به قدری هوای مشروطه و مشروطه‌خواهان را داشت که در تبریز به او لقب «ابوالمله» داده بودند.

تأثیر مهدی کوزه‌کنانی بر جنبش مشروطه تبریز و اثر جنبش تبریز بر تهران، مرکز حکومت قاجاریان، موضوعی نیست که در چند جمله بشود آن را شرح داد و داستانی درازدامن است. با همه این‌ها، نقش آفرینی مهدی کوزه‌کنانی بیشتر در پشتیبانی بود، اما برخی‌ها نفوذ او بین مشروطه‌خواهان را هم سنگ ستارخان و باقرخان و سخنرانان مشروطه تبریز می‌دانند. البته گفته‌های خلاف این هم کم نیست و برخی‌ها هم گفته‌اند او به پیشبرد مشروطه در تبریز کمک نکرده است. روی هم‌رفته روزگار پیچیده تبریز آن زمان، قضاوت را کمی دشوار می‌کند، اما بیشتر منابع از تأثیرگذاری کوزه‌کنانی بر مشروطه نوشته‌اند. هر چه بود، حاجی مهدی کوزه‌کنانی چند سال پس از مشروطه هم زنده بود. او پس از صدور فرمان مشروطه در سال ۱۲۸۵ خورشیدی، دوره استبداد صغیر را دید، خبر به توپ بسته شدن مجلس را شنید و ماجرای پناهنده شدن محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه را در روزنامه‌ها خواند. مهدی کوزه‌کنانی حتی در سال ۱۲۹۰ خورشیدی، اشغال تبریز به دست روس‌ها و انتقام‌گیری مخالفان مشروطه را هم به چشم دید. او دیده بود که سر سران مشروط در تبریز چگونه روی دار رفت. کوزه‌کنانی مدتی پس از این همه‌افت وخیز جنبشی که او از هیچ کمکی برایش دریغ نکرده بود، در تبریز درگذشت.

● یادگار عصر و عهد مشروطه

تقریباً ۱۵۰ سال پیش یعنی سال ۱۲۴۸ خورشیدی، مهدی کوزه‌کنانی در ضلع غربی بازار قدیمی تبریز خانه‌ای ساخت که خودش در آن ساکن شد. این خانه سنتی که معماری بومی و ایرانی دارد، بعدها در دوره مشروطه محل برگزاری جلسات مشروطه‌چی‌ها شد. کوزه‌کنانی چنان که خودش گفته بود، از خرج‌کردن دارایی‌اش برای مشروطه دریغ نکرد و خانه‌اش هم بخش مهمی از این سرمایه بود. معروف‌ترین خانه تاریخی تبریز، جایی است که تصمیم‌های مهم یکی از نقطه‌عطف‌های تاریخ ایران در آن گرفته شده است. خانه تاریخی کوزه‌کنانی تبریز امروز سردری دارد با نام «خانه مشروطه». این خانه که مهر ۱۳۵۴ ثبت ملی شده، آن زمان به عنوان ملک شخصی استفاده می‌شده است. سال ۱۳۶۷ میراث فرهنگی خانه ابوالمله را خرید و نقشی‌ای که از زمان ثبت ملی شدن آن برایش چیده شده بود، چند سال بعد پیاده شد. خانه کوزه‌کنانی بازسازی شد و به موزه مشروطه تبدیل شد؛ موزه‌ای که پر از عکس‌های زمان مشروطه، مجسمه شخصیت‌های مشروطه و ابزارهایی است که مشروطه‌چی‌ها در آن زمان استفاده می‌کردند.

این خانه بعد از به توپ بسته شدن مجلس در سال ۱۲۸۷ مرکز تجمع جمعی از چهره‌های برجسته مشروطه در آذربایجان بوده و در جنگ‌های یازده‌ماهه تبریز نیز ستاد فرماندهی و محل تشکیل جلسات مشروطه‌خواهان بوده است. آن زمان، ستارخان و باقرخان و ثقة‌الاسلام و... به این خانه رفت‌وآمد می‌کردند. روی هم‌رفته، یاد مشروطه در خانه کوزه‌کنانی زنده است و میراث حاجی مهدی هنوز رنگ‌وبوی مشروطه دارد.



حاج مهدی کوزه‌کنانی